

قوش بیگی امتیاز یافت - و در سال نوزدهم بغایر جهت
بسلب^(۲) منصب و جاگیر معاتب گردید - و پستر با کمی
منصب بحال گردید - و در سال بیست و یکم از تغیر
روح الله خان آخته بیگی شد - و پس ازان بدکن تعیین
گشت - و هنگامی (که موکب پادشاهی از اردبیل روانا
معاودت نموده سایه نزل بمصاحبت اجمیر افکند) مشارالیه
به آستان بوس خلافت شرف اندوز شده خلعت میرتوکی
اول پوشید - و پستر به تنبیه خیره سزان سانبهر و دندوانه
مرخص گشت - و چون در سال بیست و ششم درجن سنگه
هادا بمکاره بوندی پرداخته متصرف شد از باستیصال آن
بدمال کمر امتثال بر بست - و چون خان مذکور حوالی بوندی
پیوست درجن سنگه قلعه بند گردید - آن خان شهاصت شعار
برق ریز یورش گشت - تکرک تیر و تفنگ تا سه پهر
ریزش داشت - آخر کار آن تبه اطوار سیاهی شب را پرده
کردار خود نموده نیل عار فرار بر رخساره روزگار کشید -
و انزوه سنگه نبیره را در بهار سنگه هادا (که نیز از حضور^(۳)
رخصت یافته بود) حسب الحکم با جمعیت خویش داخل
آن شده - مشارالیه عذر معاودت درتا ساخته بعد تقبیل
سده خلافت بیافتن خلعت تحسین درجه افتخار پیمود -

(۲) نسخه [ج] بسلب منصب معاتب گردید - (۳) نسخه [ب] انزوه •

و در سر آغاز سال بیست و هشتم از انتقال خان زمان
باقصی پایگ عزت صوبه داری مالوه صعود نمود - و بموهبت
فیل ذوالفقار نام و از اصل و اضافه بمنصب سه هزار و
پانصدی سه هزار سوار اوج پیمای اعتبار گردید - و در آخر
همین سال سنه (۱۰۹۶) هزار و نود و شش هجری
از ننگان دنیا برآمد - پسرش نیز خطاب پدر یافته
سرگرم خدمات پادشاهی بود - بعد رحلت خلد مکان مدتها
در دار الخلافه به بیکاری گذرانید - ساله چند پیش از تحریر
و دیعت حیات سپرد - خالی از غیرت و شرافت نفس نبود -
همشیره سیده بیگم زوجه محترمه آصف جاه فتح جنگ در
خانه داشت - هنگامی (که نواب معزی الیه از دکن بحضور
رفته در کمال اقتدار زیب آرای امارت گشتند) اصلا بایشان
رجوع نکرد - بلکه ترک آمد و رفت نمود *

• محمد علی خان خانسامان •

پسر تقرب خان حکیم داؤد است - ولایت زا بوده -
چون پدرش (که در علم طب حذائق تمام داشت) در
خدمت اعلی حضرت بحسن تعالج و تداری مشمول الطاف
خسروانی گردیده آخرها به والا مرتبه امارت برآمد او نیز
بمنصب هزاری چهره امتیاز افروخت - و بعد از جلوس
عالمگیری دران هنگام (که موکب منصوره پادشاهی از

بذخواب بدار الخلافه معارذت نمود (مشارالیه بخطاب خانیه نوازش یافت - و چون تقرب خان را بعلاج بقیة کوفت اعلیٰ حضرت نزد آن پادشاه متروک السلطنة نگهداشته بودند بذایر رجه طبع خلالت پناهی از منصرف گشته مورد عتاب خسروانه گردید - او نیز به تبعیت پدر از منصب معزول شده از نظر التفات خاقانی افتاد - چون سال پنجم والدش از اجل طبیعی رخت همتی بر بسمت عواطف پادشاهانه خان مذکور را به عطای خلعت از لباس کدورت بر آورده از اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصدی دو صد سوار مطرح انظار تفضل و اکرام گشت - و در سال هفدهم از انتقال حکیم صالح خان به داروغگی کرکر آقخانه اعتبار اندرخته بافروزی منصب دو هزار سوار سوار قرار شد - و پستو داروغگی چینی خانه نیز ضمیمه گردید *

و چون دیانت و کفایت و کاردانی و معامله فهمی او در پیشگاه سلطنت و جهانبانی لعمرة ظهور بردان پیش از سفر اجمیر از تغیر روح الله خان بوالا خدمت خانصامانی فرق افتخار برافراخت - بذایر استقامت وضع و راستی طبع و فرط صلاح و تقوی دخل تمام در مزاج حضرت خلد مکان

(۲) نسخه [ب] خسروانی - (۳) نسخه [ج] کرکیراق خانه - و نسخه

[ب] کرکیراق خانه - و در [بضم نسخه] کرکر آقخانه *

پیدا کرده بمرتب قرب و اعتبار سرآمد همسوان گردید - بل معهود امرای عمده گشت - در ایام محاصره گولکنده (که هنوز به تسخیر اولیای دولت قاهره در نیامده بود) هفدهم رجب سنه (۱۰۹۸) هزار و نود و هشت هجری طایر روحش از مغاک خاک بخورده افلاک پرواز نمود - در فراست و دانائی و بزرگی و سترگ منشی شهره روزگار بود - و با کمال دیانت و جدی رافر در گردن آردی مال پادشاهی می کوشید - بکرم آشنا بود - هرکه بار میرسید کامیاب می گردید - در انقا و پرهیزگاری مولع بود - اوقات خود را مصروف نماز و روزه داشته - و پیوسته همت بر مشغله ارزان و احزاب گماشته - نعمت خان حاجی در هزلهای خون زاهد خشک و عابد مرئی کفایه بار دارد - یحتمل چون او داروغگی های متعلقه خان سامانی داشت در رباش احتیاط صاحب رساله مانع دستبرد او شده دل خالی کرده باشد - خان مذکور دستار کلانے مثل قضاة بر سر می بست - نعمت خان هم اشاره بدان کرده - * بیست *

* در سر داری بزرگی بسیار *

* ما هیچ ندیدیم بجز دستار *

• مهابت خان حیدرآبادی •

مشهور به محمد ابراهیم قمارباز - ولایت زا بود - در